

گونه‌شناسی تفاسیر مختلف از امام علی علیه السلام در میان علویان ترکیه و تحلیل عوامل موثر بر شکل‌گیری آن‌ها

زهرا کبیری پور^۱

چکیده

علویان ترکیه یکی از مهم‌ترین اقلیت‌های دینی و فرهنگی این کشور به شمار می‌روند که تاریخ و هویت آنان با نام و سیره امام علی علیه السلام پیوندی عمیق دارد. در اندیشه و آیین علوی، امام علی علیه السلام نه تنها پیشوای دینی، بلکه مظهر حقیقت، عدالت و انسان کامل تلقی می‌شود. با این حال، در بستر تحولات فکری و اجتماعی ترکیه معاصر، برداشت‌های متنوعی از جایگاه و مقام امام علی علیه السلام پدید آمده است که هریک بازتابی از دگرگونی‌های درون‌دینی، سیاسی و فرهنگی جامعه علوی به شمار می‌آیند. مسئله اصلی این پژوهش، بررسی چگونگی بازنمایی امام علی علیه السلام در گفتمان‌های گوناگون علویان ترکیه و تبیین نقش این بازنمایی‌ها در بازتعریف هویت دینی و فرهنگی آنان است. در این چهارچوب، مقاله به گونه‌شناسی برداشت‌های گوناگون از امام علی علیه السلام در گفتار علویان امروز ترکیه می‌پردازد و می‌کوشد تحلیلی نظام‌مند از این تنوع تفسیری ارائه دهد. علوی‌گری در این بستر، نه سنتی ایستا، بلکه گفتمانی پویا و چندلایه است که در آن، بازنمایی‌های مختلف از حضرت علی علیه السلام مبنای هویت‌سازی، مشروعیت دینی و سامان‌دهی کنش اجتماعی تلقی می‌شود. پژوهش حاضر بر پایه تحلیل منابع ترکی استانبولی، مشاهدات میدانی در استانبول و بررسی گفتمان‌های علوی سامان یافته و پنج تفسیر اصلی را شناسایی کرده است: ۱. تفسیر شیعی، که امام علی علیه السلام را به عنوان امام معصوم و مرجع اعتقادی در چهارچوب تشیع امامی می‌فهمد؛ ۲. تفسیر محافظه‌کارانه، که او را حافظ سنت و هویت قومی ترک می‌داند؛

۱. دکتری تاریخ تشیع اثنی‌عشری، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران؛ z.kabiripour@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۸/۵

۳. تفسیر ایدئولوژیک، با تأکید بر عدالت خواهی و کنشگری اجتماعی امام علی علیه السلام؛ ۴. تفسیر فرهنگی، که در پی بازسازی پیوندهای آیینی سنتی در ساختار شهری است؛ و ۵. تفسیر علوی‌گری بدون امام علی علیه السلام، که به بازتعریف علوی‌گری به مثابه هویتی فرهنگی و فرادینی می‌پردازد. از درون این قرائت‌ها، پنج چهره متمایز از امام علی علیه السلام پدیدار می‌شود: علی امام، علی قدسی، علی تُرک‌شده، علی نمادین و حذف امام علی علیه السلام از علوی‌گری. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این بازنمایی‌ها، ضمن انعکاس تحولات معرفتی و اجتماعی علویان، نقش مهمی در تداوم یا دگرگونی هویت دینی و قومی آنان در عصر مدرن ایفا کرده‌اند.

واژگان کلیدی: علویان ترکیه، امام علی علیه السلام، قدسی‌سازی، هویت فرهنگی، علی نمادین.



مقدمه

علویان ترکیه یکی از گسترده‌ترین و اثرگذارترین جوامع دینی در آناتولی معاصر به شمار می‌روند که ترکیبی از عناصر اسلامی، عرفانی و فرهنگی را در سنت خود حفظ کرده‌اند. در میان این جامعه، امام علی علیه السلام جایگاهی محوری و چندوجهی دارد. او نه تنها به عنوان پیشوای دینی و نماد عدالت و معرفت شناخته می‌شود، بلکه محور اصلی هویت‌سازی، مشروعیت بخشی اعتقادی و سامان‌دهی فرهنگی علویان نیز به شمار می‌رود. در آیین‌ها، اشعار آیینی و گفتمان مذهبی علویان، نام و سیره امام علی علیه السلام حضوری پررنگ دارد و پیوندی عمیق میان ایمان، اخلاق و فرهنگ آنان برقرار می‌سازد.

با این حال، این جایگاه در گذر زمان دچار دگرگونی‌هایی بنیادین شده است. تحولات اجتماعی و سیاسی ترکیه، از جمله روند نوسازی، سکولاریسم دولتی و فشارهای تاریخی بر اقلیت‌های مذهبی سبب شده است که برداشت‌های متنوع و گاه متعارضی از امام علی علیه السلام در میان گروه‌های مختلف علوی شکل گیرد. از این رو دیگر نمی‌توان از یک تصویر واحد از علی علیه السلام در میان علویان سخن گفت؛ بلکه با مجموعه‌ای از خوانش‌ها و بازنمایی‌ها مواجهیم که هر یک به نوعی بازتاب تحولات معرفتی، فرهنگی و اجتماعی این جامعه‌اند.

مسئله اصلی این مقاله، بررسی این تنوع تفسیری و تحلیل چگونگی بازنمایی امام علی علیه السلام در گفتار و سنت علویان ترکیه است. پرسش محوری آن است که علویان امروز، چه جایگاهی از امام علی علیه السلام را مطرح می‌سازند و این فهم چه نسبتی با تحولات هویتی و فرهنگی آنان دارد؟ بر این اساس مقاله حاضر می‌کوشد با رویکردی تحلیلی و گونه‌شناسانه، گونه‌های مختلف برداشت از امام علی علیه السلام را در گفتمان علویان ترکیه شناسایی و تبیین کند. علوی‌گری در این بستر، نه سنتی ایستا و بسته، بلکه گفتمانی پویا و چندلایه است که بازنمایی‌های متنوع از حضرت علی علیه السلام در آن، بنیان هویت دینی، فرهنگی و حتی سیاسی جامعه علوی را شکل می‌دهد.

مطالعه نسبت میان شخصیت امام علی علیه السلام و هویت علوی، در پژوهش‌های پیشین عمدتاً در قالب‌های تاریخی، کلامی یا فرهنگی دنبال شده است. در این میان، اثر سوباشی (Subaşı, 2010) با تمرکز بر فرایند مدرن‌سازی علوی‌گری و تحلیل‌های آکتورک (Aktürk, 2013)

در مقاله «چهار علی علوی‌گری معاصر»^۱ که به نقش ایدئولوژی در سازمان یافتگی علویان می‌پردازد، از تلاش‌های جدی در حوزه جامعه‌شناسی دین به شمار می‌روند. افزون بر این، پژوهش‌های آیدین (Aydın, 2008) و بولوت (Bulut, 2011) با تمرکز بر تمایز امام علی علیه السلام تاریخی و امام علی علیه السلام اسطوره‌ای، یا تبیین مفهوم «علوی‌گری بدون علی»، جنبه‌های گفتمانی و سیاسی این بازنمایی‌ها را برجسته کرده‌اند. همچنین، دده علی کوچوک (Küçük, 2024) در اثر خود با عنوان علویان به کجا؟ به برخی از این قرائت‌ها اشاره‌هایی گذرا داشته، اما فاقد تحلیل نظام‌مند و طبقه‌بندی شده بوده است. با این حال آنچه در اغلب این مطالعات غایب است، ارائه یک مدل تحلیلی جامع و تطبیقی برای گونه‌شناسی درونی برداشت‌های متنوع از امام علی علیه السلام است؛ مدلی که به صورت هم‌زمان، امکان تفکیک، هم‌پوشانی و تحلیل تقابلی این قرائت‌ها را در بسترهای اجتماعی مختلف فراهم سازد. پژوهش حاضر با رویکردی ترکیبی از تحلیل مفهومی، تبارشناسی تاریخی و داده‌های میدانی، درصدد پاسخ‌گویی به همین خلأ نظری و روش‌شناختی است.

برای درک دقیق‌تر این تنوع، شناخت زمینه‌های تاریخی و دگرگونی‌های اجتماعی ضروری است. تقسیم تاریخ علویان ترکیه به دو دوره پیشاصفوی و پساصفوی، به درک تحولات هویتی آنان یاری می‌رساند (Ocak, 1998). پیش از صفویان، گروه‌هایی با مذاهب غیررسمی (هترودوکسی)^۲ در آناتولی، در قالب طریقت‌هایی چون وفایی، حیدری و قلندری، بیشتر به جوهر معنا تا صورت شریعت توجه داشتند؛ اما با ظهور دولت صفوی، که به دنبال تثبیت اقتدار سیاسی - مذهبی خود بود، علی علیه السلام به محور مشروعیت بخشی و هویت‌سازی این گروه‌ها تبدیل شد (Subaşı, 2010, P80-81). به ویژه، مفهوم «حق - محمد - علی» نقشی کلیدی در شکل‌دهی به باورهای جدید ایفا کرد.

با مهاجرت گسترده علویان به شهرها و مواجهه آنان با ساختارهای مدرن، فهم سنتی از علوی‌گری دستخوش دگرگونی شد. شکل‌گیری سازمان‌های علوی با رویکردهای ایدئولوژیک، فرهنگی و مذهبی، به بازتعریف شخصیت امام علی علیه السلام متناسب با فضای فکری هر جریان

1. Çağdaş Aleviliğin dört Alisi.

2. Aktürk, 2013; Bal, 2002; Kutlu, 2003; Yalçınkaya, 2009; Karamustafa, 2007; Kutlu, 2003, p50.

انجامید. بدین ترتیب، تفاسیری نو از علی (ع) پدید آمد که نه تنها از سنت کلاسیک فاصله داشت، بلکه در مواردی با آن در تعارض بود. در این روند، امام علی (ع) دیگر صرفاً یک شخصیت تاریخی یا مذهبی تلقی نمی‌شد؛ بلکه به مثابه نمادی معنایی و هویتی بازتولید گردید. هر جریان فکری و اجتماعی، متناسب با نیازها و شرایط تاریخی خود، قرائتی ویژه از امام علی (ع) عرضه کرد و او را تجلی آرمان‌ها، ارزش‌ها و دغدغه‌های خویش دانست. بدین سان، تصویر امام علی (ع) در گذر زمان، به عرصه‌ای برای بازتاب هویت‌های جمعی و ایدئولوژیک تبدیل شد.

این مقاله با الهام از ایده محوری حمید آکتورک در مقاله «چهار علی در آیین علویان معاصر»، به بازتحلیل و بومی‌سازی آن چهارچوب در متن جامعه علویان ترکیه می‌پردازد. بخشی از چهارچوب نظری این پژوهش، متأثر از ایده آکتورک است و با دستاوردهای مطالعات میدانی و یافته‌های نویسنده تطبیق داده شده است. با این حال بیش از نیمی از مقاله حاضر، حاصل داده‌های میدانی، گسترش تحلیلی و بومی‌سازی مفاهیم در بستر اجتماعی و فرهنگی ترکیه است. بدین سان، مطالعه کنونی نه بازنویسی صرف، بلکه توسعه و تکمیل آن مدل در پرتو شواهد تازه و نیازهای تحلیلی جدید به شمار می‌آید.¹

پژوهش حاضر بر پایه رویکرد تحلیلی-تفسیری با بهره‌گیری از عناصر تحلیل گفتمان سامان یافته است. هدف از این رویکرد، کشف لایه‌های معنایی و فرهنگی نهفته در بازنمایی‌های علوی از امام علی (ع) است؛ به این معنا که داده‌ها نه صرفاً توصیف، بلکه با توجه به منطق درونی گفتمان‌های علوی و نقش آنها در بازسازی هویت دینی و فرهنگی تحلیل شده‌اند. روش تحقیق، کیفی است و داده‌ها از سه مسیر گردآوری شده‌اند: نخست، تحلیل محتوای متون ترکی استانبولی، اعم از منابع چاپی و دیجیتال که توسط نویسندگان علوی یا پژوهشگران این حوزه تألیف شده‌اند. این متون بر اساس سه معیار انتخاب گردیده‌اند: تمرکز مستقیم بر جایگاه امام علی (ع) در گفتمان علوی، تنوع در رویکردهای کلامی، جامعه‌شناختی، فرهنگی و ایدئولوژیک و بازتاب در نهادهای علوی یا محافل

1. Aktürk, Hamit (2013). Çağdaş Aleviliğin dört Alisi. Geçmişten Günümüze Alevilik, I. Uluslararası Sempozyumu, October 2013, Bingöl Üniversitesi Yayınları 2014, 2, p56-70.

دانشگاهی ترکیه. هر متن در واحدهای معنایی، تحلیل گردید و مضامین مشترک، در قالب پنج گونه تفسیری از امام علی علیه السلام طبقه بندی شد. دوم، مصاحبه با دده‌ها، مدیران جمعخانه‌ها و پژوهشگران علوی در استانبول که در پاییز ۱۴۰۳ انجام گرفت و در شناخت تفاوت‌های نسلی و زبانی در بازنمایی امام علی علیه السلام نقشی اساسی داشت. سوم، مشاهده میدانی در جمعخانه‌های سیدصبری، فیروزکوی و مرکزی استانبول که طی آن آیین‌ها، نمادها و تصاویر مرتبط با حضرت علی علیه السلام ثبت و تحلیل گردید. این مشاهدات زمینه‌ای فراهم ساخت تا پیوند میان گفتار و رفتار مذهبی در فضای واقعی جمعخانه‌ها بررسی و تحلیل نظری با تجربه زیسته تکمیل شود. براین اساس، پژوهش حاضر با ترکیب سه منبع داده - متون مکتوب، مصاحبه‌های تفسیری و مشاهدات میدانی - تصویری چندبُعدی از گفتمان علوی در باب امام علی علیه السلام ارائه می‌دهد؛ تصویری که در امتداد سنت پژوهش‌های کیفی تفسیری و با الهام از تحلیل گفتمان، قابل تبیین است.

۱. مفهوم اصطلاح «علوی»

اصطلاح «علوی» در علوم مختلف، معانی متفاوتی دارد، اما در این پژوهش، تمرکز بر تعریف تاریخی و فرقه‌ای آن است. دهخدا این واژه را این گونه معنا کرده است: منسوب به «علو» خلاف سفل، ملک و فرشته، سیاره و بالا و بالاتر و بلندی و سمائی، ضد سفلی، و علویه را مؤنث آن دانسته به معنای زنی که از اولاد علی بن ابی طالب علیه السلام است (دهخدا، ۱۳۸۵ ش، ج ۱۰، ص ۱۶۰۶۷). از نظر ریشه‌شناسی، واژه عربی «علوی» به معنای «منسوب به علی» (ابن منظور، ۱۳۳۴ ق، ص ۳۰۹۵ و Rençber, 2016; Arabaci, 2015) و معادل ترکی آن «علیچی» است (Kaya, 2022). این واژه‌سازی، مطابق قواعد زبان عربی، در پیوند ریشه‌هایی چون علی، موسی یا عیسی با پسوند «ی» شکل می‌گیرد.

طرف داران دیدگاه علوی‌گری بدون علی علیه السلام کوشیده‌اند این واژه را به مفاهیم غیرمرتبط مانند «آتش» پیوند دهند، اما این نظریات به دلیل ناآگاهی از ساختار زبان عربی و رشد گرایش‌های ضد عربی در میان برخی علویان، مقبولیت گسترده نیافته‌اند (کوچوک، ۱۴۰۳ ش). علی کایا، علوی‌پژوه معاصر، معتقد است واژه «علوی» به معنای پیروان امام علی علیه السلام از

قرن هفتم میلادی، یعنی زمان حیات ایشان، رایج بوده است. ابوذر غفاری، عمار یاسر، مالک اشتر و سلمان فارسی از نخستین کسانی بودند که به عنوان «علوی» شناخته می‌شدند. پس از رحلت پیامبر اکرم (ص)، طرف داران ابوبکر «بکری»، طرف داران عمر «عمری» و طرف داران عثمان «عثمانی» نامیده می‌شدند. با گذشت زمان، این نام‌ها به جز «علوی» منسوخ شدند. برخی تحقیقات مدعی هستند که علویان تا اواخر قرن نوزدهم، از نام «علوی» استفاده نمی‌کردند و به جای آن «قزلباش» نامیده می‌شدند، اما این ادعا با منابع تاریخی مغایرت دارد (Kaya, 2022, P43-42).

ایرینه ملیکوف (۱۹۱۷)، محقق غربی، مدعی است که «علوی» به معنای «از نسل علی (ع)» است و در منابع پیش از قرن نوزدهم، «قزلباش» به کار رفته است. با این حال، مفهوم «علوی» به معنای «پیرو علی (ع)» در منابع قرن هشتم نیز یافت می‌شود (Ocak, 2000, P129-159). در کتاب‌های رجال نیز روایان حدیث به عنوان طرف داران امام علی (ع) یا عثمان مشخص می‌شدند. بنابراین، «علوی» یک مفهوم عربی به معنای «علی دوست» است که از زمان حیات امام علی (ع) به کار رفته و علویان در طول تاریخ، خود را «قزلباش» نمی‌نامیده‌اند (Kaya, 2022, P45). برخی مفهوم علوی را به معنای «احترام به حضرت علی (ع)، دوست داشتن او و وفاداری به او» به کار برده‌اند (Eröz, 1990, P33). با بررسی دیدگاه این گروه مشخص می‌شود که به کسی که به حضرت علی (ع) محبت داشته و به او احترام می‌گذارد (Bozçalı, 2006, P36) و همچنین به او وفاداری نشان می‌دهد، «علوی» گفته می‌شود (Ari, 2020, P17).

درباره منشأ اصطلاح «علوی»، دیدگاه‌های متعددی وجود دارد: دیدگاه سنتی، بر پیروی و ارادت به حضرت علی (ع) تأکید دارد و واژه «علوی» را به معنای «پیرو علی (ع)» می‌داند. دیدگاه تاریخی، بر نقش عوامل سیاسی در کاربرد این اصطلاح، به ویژه در دوران امپراتوری عثمانی تأکید می‌ورزد. طبق این دیدگاه، دولت عثمانی برای تفکیک میان شیعیان داخل قلمرو خود و شیعیان ایران و شام، اصطلاح «علوی» را با مقاصد سیاسی رایج ساخت (جمالی فر، ۱۴۳۷ق، ص ۲۶۶). دیدگاه‌های معاصر، گاه با هدف تمایز علویان از شیعیان امامی و با انگیزه‌های سیاسی، به بازتعریف هویت علویان می‌پردازند. این جریان‌ها،

مشابه اتهام زنی‌های تاریخی، همچون «قرمطی» و «نصیری»، در جهت تخریب جایگاه دینی علویان عمل می‌کنند. دیدگاه سیاسی، پیدایش واژه «علوی» را واکنشی به اصطلاح «عثمانی» می‌داند که پس از قتل عثمان و با هدف انتقام‌جویی امویان شکل گرفت. در این چهارچوب، اصطلاح «علوی» ابتدا بار اعتقادی داشت، اما در جریان تحولات سیاسی و در برابر سازماندهی اموی، به ابعاد سیاسی نیز دست یافت و سرانجام به دو شق «شیعه/علوی اعتقادی» و «شیعه/علوی سیاسی» منجر شد (Kocadağ, 2022, P59).

اصطلاح «علوی» در ادبیات دینی و اجتماعی، به مجموعه‌ای متکثر از گروه‌های مذهبی اطلاق می‌شود که امام علی علیه السلام را محور هویت دینی، عرفانی و تاریخی خود می‌دانند. این واژه عمدتاً به دو معنا به کار می‌رود: الف) اشاره به نصیریان (علویان سوریه و لبنان) با الهیات و آیین‌های مستقل که در ادبیات علمی به عنوان فرقه‌ای متمایز شناخته می‌شوند؛ ب) اشاره به علویان ترکیه شامل طریقت‌های بکتاشیه و قزلباشیه، که از قرن هفتم هجری در آناتولی شکل گرفته و با حمایت صفویان گسترش یافتند. این جریان‌ها حاصل آمیزه‌ای از جمعیت‌های ترک‌تبار، ایرانی و محلی‌اند که در قالب طریقت، آیین و نهادهای فرهنگی-اجتماعی سازمان یافته‌اند.

علویان ترکیه باتکیه بر میراث معنوی خاص خود، به‌ویژه در سنت قزلباشی و بکتاشی، تفسیری از حضرت علی علیه السلام ارائه می‌دهند که با خوانش رایج فقهی یا تاریخی فاصله دارد. در این قرائت، حضرت علی علیه السلام نه تنها پیشوای سیاسی یا جانشین پیامبر، بلکه به مثابه حقیقت نهایی، نور الهی، و مظهر باطنی توحید تصویر می‌شود. به عبارت دیگر، بازنمایی حضرت علی علیه السلام در سنت علوی ترکیه، آمیزه‌ای از عناصر عرفانی، شطحی^۱، اسطوره‌ای و نمادین است که گاه تا مرز الوهیت‌گرایی نیز پیش می‌رود.

این بازنمایی‌های متنوع از امام علی علیه السلام، نه فقط بنیان الهیات علوی، بلکه اساس مناسک، آداب، و هویت جمعی این طریقت‌ها را نیز شکل می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت درک علی علیه السلام در میان علویان ترکیه، آینه‌ای از تنوع درونی، پویایی تاریخی و تلاش برای

۱. «شطحی» به گفته‌های عرفانی و گاه متضاد با ظاهر شریعت اطلاق می‌شود که در سنت‌های صوفیانه و عرفانی برای بیان تجارب باطنی و شهود معنوی به کار می‌رود.

معناسازی دینی در بستری فرهنگی - قومی خاص است.

پس از تبیین معنا و سیر تاریخی اصطلاح «علوی»، بررسی نحوه بازنمایی امام علی علیه السلام در گفتمان‌های مختلف علویان ترکیه می‌تواند ما را در فهم دقیق‌تر از ماهیت الهیاتی و هویتی این سنت یاری رساند.

۲. تفاسیر علویان از امام علی علیه السلام

۱-۲. علی امام؛ تفسیر شیعه محور در میان علویان

از دیدگاه گروهی از علویان، با رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، دوران نبوت به پایان رسیده و مرحله امامت آغاز شده است. حضرت علی علیه السلام، به دلیل جایگاه‌شان به عنوان داماد پیامبر صلی الله علیه و آله و همسر حضرت فاطمه علیها السلام، نخستین امام تلقی می‌شود و امامت او بر اساس نصوص دینی تعیین گردیده است. با این وجود، باور بر این است که امامت ایشان غصب شده و از لحاظ تاریخی مورد ستم واقع گشته است. بر اساس این دیدگاه، امامت از ارکان اسلام محسوب می‌شود و بنابراین، جایگاه امام علی علیه السلام در دین با دیگر صحابه قابل مقایسه نیست. این تفاوت به این دلیل است که در سلسله احادیث و ادبیات دینی، ایشان و دیگر امامان، از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. از نگاه علویان، بسیاری از ویژگی‌هایی که در این اندیشه به امام علی علیه السلام نسبت داده می‌شود، در خطبه‌ها و نامه‌های منسوب به ایشان - به ویژه در کتاب نهج البلاغه - بازتاب یافته است. نهج البلاغه در میان علویان، نه صرفاً به عنوان مجموعه‌ای از سخنان امام، بلکه به مثابه متنی الهام‌بخش و مرجع در تبیین آموزه‌های اخلاقی، عرفانی و عدالت محور تلقی می‌شود و در آیین‌های جمعی و مجالس دینی آنان جایگاه ویژه‌ای دارد.^۱ این گروه، نسبت به تفاسیر متفاوت از جایگاه امامت حضرت علی علیه السلام و واکنش شدیدی نشان می‌دهند. از دیدگاه آنان، الوهیت بخشیدن به حضرت علی علیه السلام، در وهله نخست، مانعی بر سر راه دریافت پیام او توسط جامعه است و از نظر اعتقادی، وضعیتی بسیار خطرناک تلقی می‌شود. به باور ایشان، «اگر حضرت علی علیه السلام سخنان کسانی را که او را

۱. رجوع کنید به:

Gölpınarlı, Abdulkakiy, Nehcul Belaga, Hz. Ali'nin Hutbeleri Vasiyetleri Emirleri Mektupları Hikmet ve Vecizeleri, Der Yayınları, İstanbul.

الوهیت می‌بخشیدند می‌شنید، آنان را با چوب از حضور خود می‌راند» (Yalçın, 2001, P47).
 الیاس اوزوم،^۱ پژوهشگر و فعال فرهنگی علوی در ترکیه، که مطالعات میدانی و تحلیل‌های گفتمانی درباره علوی‌گری و جایگاه امام علی علیه السلام در جامعه علوی انجام داده است با اشاره به سخنرانی تئومان شاهین، از رهبران علویانی که در چوروم^۲ حول این دیدگاه گرد آمده بودند، می‌نویسد: «علوی‌گری مفهومی است که ارتباط تنگاتنگی با علی علیه السلام دارد. این مفهوم دربرگیرنده پیروی از مشی علی علیه السلام، تفکر بر اساس اندیشه‌های او و کوشش برای زیستن به روش اوست. از منظری دیگر، بنیاد اسلام بر قرآن کریم و اندیشه اهل بیت علیهم السلام استوار است و علوی بودن در کانون این اندیشه قرار می‌گیرد. طرف‌داری از علی علیه السلام، به منزله طرف‌داری از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم محسوب می‌شود و پشتیبانی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز به معنای گام نهادن در مسیری است که خداوند متعال تعیین کرده است. بنابراین، علوی‌گری راهی است که در امتداد خط فکری و عملی علی و دوازده امام تداوم می‌یابد» (به نقل از: Üzüüm, 1997, p58).

حمید آکتورک، پژوهشگر جامعه‌شناسی دین در ترکیه، که عمدتاً به مطالعه جامعه علویان، تغییرات اجتماعی و نقش انجمن‌های علوی در تحولات فرهنگی و هویتی می‌پردازد، از قول محمد کوچوک، رئیس انجمن فرهنگی امام حسین علیه السلام آدیامان^۳ درباره جایگاه حضرت علی علیه السلام در فهم علوی‌گری آورده است: «علی معیار سنجش و درک این دین است. بدون حضرت علی و فرزندانش، دستیابی به فهم صحیح از این دین امکان‌پذیر نیست. در بخش‌های متعددی از قرآن کریم آمده است: «اگر نمی‌دانید، از اهل ذکر بپرسید». اعتقاد بنیادین بر این است که اهل ذکر نیز حضرت علی و فرزندانش هستند. بنابراین، حذف حضرت علی علیه السلام، به منزله خروج از اسلام است و بدون علی علیه السلام و فرزندانش، تنها «اسلام اموی» باقی می‌ماند» (Aktürk, 2013, p81-82).

از نظر جامعه‌شناختی، این گفتمان معمولاً در میان طیف‌هایی از علویان شکل می‌گیرد که یا در تعامل با شیعیان امامی هستند، یا از ساختارهای آموزشی رسمی بهره‌مند شده‌اند و

1. Üzüüm, İlyas.

۲. استان چوروم یکی از استان‌های ترکیه در منطقه دریای سیاه این کشور است.

۳. یکی از شهرهای ترکیه در استان آدیامان که اغلب ساکنان آن گرد هستند.

در پی بازسازی هویتی عقلانی، نظام‌مند و تاریخی برای علوی‌گری‌اند. در جریان مشاهدات نگارنده از فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی علویان استانبول، مشخص شد که گروه‌هایی با تمایل روزافزون به گفتمان‌های شیعی، در حال ایجاد سازمان‌های مذهبی مستقل با محوریت امام حسین (ع)، نهج‌البلاغه و اهل‌بیت‌اند. مراکز فرهنگی، مجالس عزاداری و انتشار متون ترجمه‌شده شیعی، از جمله نمودهای این تمایل است.

از سویی دیگر، در منابر این گروه‌ها تأکید می‌شود که بدون درک جایگاه علی (ع)، فهم اسلام ناقص می‌ماند. نشانه‌های فرهنگی این گروه‌ها نیز متفاوت است: تصاویر علی (ع) در هیبت امام شیعی، تکرار شعارهای عاشورایی و گاه حتی پوشش و ادبیاتی نزدیک به تشیع امامی مشاهده می‌شود. رویکرد شیعه‌محور به حضرت علی (ع)، از تلاش‌های نوین علویان برای بازتعریف مرجعیت دینی خود بر پایه تشیع تاریخی حکایت دارد. این روند، واکنشی آگاهانه به گسست‌های درونی، تأویل‌های اسطوره‌ای و نیز فشارهای فرهنگی ناشی از ابهام هویتی در جامعه مدرن است. این جریان به دنبال پی‌ریزی روایتی واحد، عقلانی و اصیل از علوی‌گری است که با قرائت امامی هم‌پوشانی دارد، اما همچنان خصلت بومی و فرهنگی خود را حفظ می‌کند.

علی‌رغم آنکه این تفسیر به‌طور عمده در محافل رسمی‌تر یا در میان علویان آشنا با گفتمان شیعی برجسته شده است، مشاهدات میدانی نگارنده در استانبول نشان می‌دهد که باور به جایگاه منحصر به فرد امام علی (ع) به عنوان امام برحق و معیار شناخت دین، در لایه‌های مختلف جامعه علوی گسترده است؛ حتی اگر بسیاری از افراد، این باور را به دلایل فرهنگی یا سیاسی به صورت علنی ابراز نکنند. در گفت‌وگوهای غیررسمی با اعضای این جامعه، بارها تأکید شد که حضرت علی (ع) نه فقط به عنوان یک شخصیت تاریخی، بلکه به مثابه میزان و ستون دین شناخته می‌شود. این گرایش ضمن آنکه با آموزه‌های شیعی قرابت دارد، برای بسیاری از علویان، تلاشی است برای یافتن بنیانی روشن، مکتوب و قابل دفاع برای هویت دینی‌شان در مواجهه با فشارهای بیرونی و بحران‌های هویتی درونی.

۲-۲. علی قدسی در متون آیینی و عرفانی علوی

بر اساس دیدگاه گروهی از علویان، حضرت علی علیه السلام شخصیتی برخوردار از نیروهای خارق العاده و صفاتی فرابشری است؛ تصویری که با عناصر اساطیری تقویت شده و در تخیل مذهبی آنان جایگاهی ریشه دار یافته است. این بازنمایی اسطوره‌ای و کیهانی از علی علیه السلام، در متون شفاهی همچون «جُنک‌ها»^۱ که هنوز در روستاهای علوی نشین خوانده می‌شود، به روشنی مشهود است و در آیین‌های جمعی در جمخانه‌ها نیز مکرراً بازگو می‌شود. این نوع روایت، اگرچه با واقعیت‌های تاریخی انطباق ندارد، نشان می‌دهد که چگونه علی علیه السلام به عنوان یک شخصیت نمادین، در حافظه فرهنگی جامعه علوی به گونه‌ای جاودانه حفظ شده است.

مفهوم قدسی‌سازی علی علیه السلام در ادبیات دینی علوی، عمدتاً در دو قالب ظهور می‌یابد: نخست، در قالب «شط‌حیات» یا ابیات عرفانی موسوم به «نفس‌ها»^۲ که در اوج جذب و شور عارفانه سروده شده‌اند؛ دوم، در اشعار آیینی و حماسی سرایندهگان اوزان. این سروده‌ها که اغلب خارج از چهارچوب‌های خشک شریعت رسمی قرار دارند، مملو از نمادپردازی، شور احساسی، و بیانی عاشقانه و افراطی نسبت به الله، پیامبر و حضرت علی اند. در بسیاری از آنها، بازتاب آموزه عرفانی «وحدت وجود» نیز دیده می‌شود که نشانگر پیوند عمیق میان اندیشه عرفانی، قالب شعری و باور دینی در سنت ادبی علوی است (Fiğlalı, 2009, p244-245). این خوانش عرفانی، در نقطه مقابل تفاسیر شریعت محور قرار دارد و بر تجربه باطنی، سلوک فردی، و معنابخشی درونی دین تأکید می‌ورزد.

همان‌طور که فیغلالی^۳ (۱۹۳۷م)، استاد الهیات و پژوهشگر ترک، متخصص علوی‌گری و بکتاشی‌گری، نویسنده مقالات و کتاب‌های تحلیلی درباره امام علی علیه السلام، فرهنگ و الهیات علوی - بکتاشی نیز اشاره می‌کند، پیچیدگی وضعیت کنونی باورهای علوی، حتی برای خود علویان نیز به سادگی قابل توضیح نیست. باورهای سنتی موجود در میان علویان،

۱. در ادبیات علوی بکتاشی به مجموعه‌هایی که معمولاً سخنان و اشعار اوزان‌ها و عاشیق‌ها را دربرمی‌گیرد، جُنک یا جُنک می‌گویند.

۲. سرود آیینی و عرفانی

3. Ethem Ruhi Fiğlalı

به‌ویژه در مناطق روستایی، که جایگاه ویژه‌ای برای حضرت علی علیه السلام قائل است (حتی تا سرحد الوهیت)، در محیط‌های شهری چندان رایج نیست. داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌های میدانی نویسنده در جمخانه‌های استانبول نیز همین روند را تأیید می‌کند.^۱ از میان پاسخ‌دهندگان، تنها معدودی به وجود ویژگی‌های خارق‌العاده در شخصیت حضرت علی علیه السلام اذعان داشتند و اکثریت، حضرت علی علیه السلام را نه به مثابه یک حقیقت قدسی، بلکه به عنوان نمادی اخلاقی، اجتماعی یا سیاسی بازشناسی می‌کردند. این موضوع، واقعیتی شناخته‌شده را بازتاب می‌دهد که بسیاری از پدیده‌هایی که در علویان سنتی به عنوان «سیر»^۲ نسل به نسل منتقل شده‌اند، در مواجهه با سنجش‌گری عقلانی زندگی مدرن، بسیاری از باورها فرسایش یافته و دچار تضعیف شده‌اند. این فرسایش، به دگرگونی‌های عمیقی در ساختار باورها و هویت علویان در دوران معاصر انجامیده است.

از دیدگاه این پژوهش، جایگاه حضرت علی علیه السلام که در علوی‌گری سنتی، اغلب به عنوان یک راز یا حقیقت فراتر از درک عمومی تلقی می‌شد، در دوران علوی‌گری مدرن، دچار فرسایش شده است. در این دوره، حضرت علی علیه السلام به شخصیتی صرفاً نمادین و ایدئولوژیک تبدیل گشته است. این عدم نیاز یا حتی امتناع از توضیح جایگاه ماورایی حضرت علی علیه السلام، می‌تواند نشانه‌ای آشکار از میزان زوال علوی‌گری سنتی و گذار آن به اشکال جدیدتر و بعضاً سکولارتر باشد. این تغییر، دلالت بر کاهش اهمیت ابعاد عرفانی و متافیزیکی شخصیت حضرت علی علیه السلام و برجسته‌تر شدن نقش او در چهارچوب‌های اجتماعی، سیاسی و هویتی معاصر دارد. ویرانی، یکی از هفت شاعر بزرگ علویان ترکیه، علی علیه السلام را چنین توصیف می‌کند: «اوست آغاز و اوست پایان؛ پاکیزه و مطهر اوست؛ پنهان و آشکار اوست؛ علی، علی، علی، علی» (Aydın, 2008, p35).

۱. آیدین آلتای، امیر اوغلو، بیرویل بیلدیز، حسین چاولاک، طارق چیمین، زینال دمیر، علی کوچوک، ساتیلیمیش، غازی ارسلان و نوری آل دمیر طرح مرجعیت فرهنگی و اجتماعی علویان ترکیه، محل نمایندگی جامعه المصطفی صلوات الله علیها العالمیه در ترکیه و قبرس، استانبول، ۲۴ آبان تا ۵ آذر ۱۴۰۳.

۲. تاشگین، در ارتباط با محتوای مفهوم «راز» در علوی‌گری، بیان می‌دارد که «راز تنها چیزی نیست که توسط دیگران دانسته نمی‌شود، بلکه آن چیزی است که حتی توسط اعضای خود گروه نیز قابل شناخت و درک عقلی نیست.» برای جزئیات بیشتر مراجعه کنید به:

Ahmet Taşgün, "Mit ve Gerçeklik Arasında: Alevilikte Ehlibeyt, Marife, Yıl: 4, 3, 2004b, s. p287-296.

همان طور که مشاهده شد، حضرت علی علیه السلام نه به مثابه یک شخصیت انسانی، بلکه به عنوان موجودی متعالی و فراطبیعی (استعلایی) تعریف و توصیف می‌شود. این نگرش، علی علیه السلام را فراتر از حدود بشری قرار داده است و ویژگی‌های الهی یا ماورایی را به او نسبت می‌دهد.

دده ستایلیمیش^۱، یکی از دده‌های جمخانه فیروزکوی^۲، در توصیف جایگاه حضرت علی علیه السلام در الهیات علوی، به مفهوم بنیادین «حق - محمد - علی» اشاره می‌کند و بر آن است که این سه‌گانه، در باور علویان جایگاهی قدسی دارد. به گفته او، برخی از علویان، حضرت علی علیه السلام را نه تنها به عنوان یک امام، بلکه به مثابه «خدای سوم» در تثلیث مذکور می‌نگرند؛ تفسیری که در متون عرفانی و آیینی علوی - مانند «بویروک امام جعفر» - نیز به وضوح منعکس شده است. دده ستایلیمیش تأکید می‌کند که بر اساس این منابع، حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت علی علیه السلام هر دو از «نور ازلی الهی» آفریده شده‌اند و این باور، ریشه در سنت‌های دیرپای مردم آناتولی دارد که پیش از اسلام نیز به مفاهیمی مانند نور و شعله، تقدس می‌بخشیدند. به زعم او، همین زمینه فرهنگی، پیوندی میان «نور و شعله»^۳ و «علی» برقرار کرده و در نهایت، در قالب واژه «علوی» تجلی یافته است. چنین روایتی نشان از فرایند تاریخی و فرهنگی تلفیق عناصر عرفانی، اساطیری و اسلامی در شکل‌گیری الهیات علوی دارد (دده ستایلیمیش، طرح مرجعیت فرهنگی و اجتماعی علویان ترکیه، جمخانه فیروزکوی، استانبول، ۲۸ آبان ۱۴۰۳).

حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم در حدیثی فرموده‌اند: «من شهر علم هستم و علی باب آن است.» (طوسی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۷۷۴). از دیدگاه علویان، محمد صلی الله علیه و آله و سلم «وجه ظاهری» خداوند را توصیف می‌کند؛ در حالی که علی علیه السلام در معنای عرفانی، «جوهر و باطن» الوهیت را نمایان می‌سازد. علی علیه السلام به عنوان «انسان کامل» شناخته می‌شود؛ گاه به او قدرت‌های الهی نسبت داده می‌شود و گاه او را جلوه خدا بر روی زمین و در هر انسانی می‌دانند. علویان آناتولی، علی علیه السلام را از درون اسلام برگرفته و در عین حال، کیشی برای او خلق کرده‌اند که از مرزهای اسلام فراتر می‌رود. در یکی از اشعار پیر سلطان ابدال آمده است: «من علی ام و علی من است» و در

1. Satılmış

۲. واقع در منطقه فیروزکوی استانبول

۳. Nur/Alev

شعری دیگر که در مراسم «جم» خوانده می‌شود، «خدای علی» به طبیعت و انسان فروکاسته می‌شود (www.hacibektas.com, 2012).

در مقابل، محمد صفت ساریکایا،^۱ از پژوهشگران برجسته در حوزه مطالعات علوی‌گری و تاریخ اسلام در ترکیه و صاحب تألیفات متعدد در زمینه تاریخ و الهیات علوی‌گری، معتقد است برخی پژوهشگران مانند بیرگه، ملیکوف، أجاک و اروز، باورهایی چون حلول و تناسخ را به صورت نادرست به علویان نسبت داده‌اند؛ درحالی‌که این آموزه‌ها متعلق به اهل حق‌اند و به دلیل همجواری جغرافیایی، دچار خلط شده‌اند. به گفته او، این سوء برداشت ناشی از رویکردهای گزینشی، تعمیم‌های نادرست و تلاش برای برقراری مشابهت‌های سطحی است (Ballı, 2007, p165).

با این حال، شواهد میدانی و تجربه زیسته علویان سنتی نشان می‌دهد که تصویر علی مافوق بشری، همچنان در حافظه فرهنگی آنان حضوری پررنگ دارد. از این رو، انکار کامل این گونه باورها، با واقعیت اجتماعی و آیینی علویان همخوانی ندارد. هرچند در فضاهای شهری و نهادهای رسمی، نمود این تفسیر کم‌رنگ‌تر شده است، اما مشاهدات نگارنده در جمعانه‌ها و محافل علوی در مناطق استانبول، از استمرار این نگرش در لایه‌های عمیق ذهنی و عاطفی جامعه علوی حکایت دارد. حتی در میان نسل‌های جوانی که در محیط‌های مدرن و سکولار رشد یافته‌اند، نوعی احترام پررمز و راز نسبت به جنبه‌های استعلایی شخصیت حضرت علی علیه السلام مشاهده می‌شود؛ باوری که معمولاً نه به صورت صریح، بلکه در قالب سکوت، پرهیز از نفی، یا اشارات تلویحی در ادبیات آیینی، موسیقی مذهبی و مناسک جمعی بروز می‌یابد. این وضعیت نشان می‌دهد که باوجود رواج گفتار عقلانی و نمادپرداز در بازتعریف علی علیه السلام، چهره قدسی و فرابشری او همچنان به مثابه بخشی از ناخودآگاه فرهنگی و حافظه جمعی علویان ترکیه پابرجاست.^۲

1. Mehmet Saffet Sarıkaya

۲. آیدین آلتای، امیر اوغلو، بیرویل بیلدیز، حسین چاولاک، طارق چیمین، زینال دمیر، علی کوچوک، ساتیلیمیش، غازی ارسلان و نوری آل دمیر طرح مرجعیت فرهنگی و اجتماعی علویان ترکیه، محل نمایندگی جامعه المصطفی العالمیه در ترکیه و قبرس، استانبول، ۲۴ آبان تا ۵ آذر ۱۴۰۳.

۳-۲. ترکی‌سازی چهره علی؛ بازخوانی قومی - ملی در سنت علوی^۱

علی بن ابی طالب علیه السلام شخصیتی تاریخی است که به عنوان داماد پیامبر صلی الله علیه و آله و پدر حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و همسر حضرت زهرا علیها السلام در تاریخ اسلام، و همچنین چهارمین خلیفه در میان اهل سنت شناخته می‌شود. او با القاب و صفات متعددی از جمله حیدر، کرار، مرتضی، ابوتراب، ابوریحان‌تین، شاه مردان، اسدالله و وجه‌الله مورد تجلیل قرار می‌گیرد (Fiğlali, 2009, p241). در برخی از برداشت‌های علوی، آویزان کردن تصویر حضرت علی علیه السلام نوعی عبادت تلقی می‌شود که نشان‌دهنده عمق ارادت به ایشان است. همچنین «نفس‌ها» و «دوازده‌گانه»‌ها^۲ همواره با عبارات‌های «الله - محمد - علی» آغاز می‌شوند و نام علی در دعاها نیز به کرات ذکر می‌گردد. با وجود آنکه حضرت علی علیه السلام در دوران پیامبر صلی الله علیه و آله همواره به انجام عبادات و اجرای احکام دینی پایبند بود، بخشی از توصیه‌ها و اوامر او درباره عبادات، در میان برخی از قرائت‌های علوی، یا نادیده گرفته شده یا تفسیری متفاوت یافته است. این امر نشان‌دهنده غلبه رویکرد تأویلی، و تمایل به رمزگشایی معنایی از متون دینی در سنت علوی است. نکته قابل توجه دیگر، بازتاب برخی عناصر دینی و فرهنگی پیشااسلامی ترک‌ها در تصویر ارائه شده از حضرت علی علیه السلام است. با وجود آنکه او شخصیتی تاریخی و عرب‌تبار است، اما در سنت دینی علوی، خصایصی از ادیان باستانی آسیای میانه و آیین‌های شمنی در شخصیت او بازتاب یافته است. این مسئله، حاکی از فرایند هم‌آمیزی فرهنگی و دینی در تکوین هویت علویان، به ویژه در بستر آناتولی است. در برخی خوانش‌های تفسیری رایج در میان علویان، زندگی حضرت علی علیه السلام به دو دوره معرفتی و کنشی، قابل تفکیک است. دوره نخست، از آغاز بعثت تا رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله را دربرمی‌گیرد که در آن، علی در هیئت مجاهدی مؤمن، قاضی‌ای دادگر و فرمانده‌ای شجاع ترسیم می‌شود. تصویری که حتی در نگاه اهل سنت نیز جایگاهی قابل توجه دارد و در منابع معتبر مشترک اسلامی بازتاب یافته است. چنان‌که ایوب اوغلو در تحلیل خود می‌گوید: در این مقطع،

۱. این مفهوم متعلق به زلیوت است. برای جزئیات بیشتر نگاه کنید به:

Rıza Zelyut, Türk Alevliği Anadolu Aleviliğinin Kültürel Kökeni, Kripto Kitaplar, Ankara 2009.

۲. سرودهایی در ستایش دوازده امام.

حضرت علی (ع) «چونان یک مسلمان سنی رفتار می‌کند» (Eyuboğlu, 1979, p20). اما دوره دوم، با رحلت پیامبر (ص) آغاز می‌شود؛ مرحله‌ای که در آن، برخی تفاسیر علوی، چهره‌ای رمزآلود، عارفانه و درونی از علی ارائه می‌کنند. در این نگاه، امام علی (ع) از سطح ظاهری شریعت عبور می‌کند و در قلمرو سکوت، تأمل و معنویت جای می‌گیرد؛ جایگاهی که گاه در تضاد با ساختارهای قدرت رسمی قرار می‌گیرد و علی (ع) را به عنوان نوری باطنی و راهنمایی رمزی بازتعریف می‌کند. از منظر این پژوهش، چنین تفسیرهایی باید در چهارچوب بازتولید کاربزمای علوی و استمرار معنوی شخصیت علی (ع) در تاریخ فرهنگی علویان فهمیده شوند. در برخی روایت‌ها، این استمرار نه صرفاً به صورت نمادین، بلکه در قالب نوعی «حلول» یا تناسخ بیان می‌شود؛ به این معنا که حضرت علی (ع) بار دیگر در وجود حاجی بکتاش ولی، عارف و صوفی قرن هفتم هجری، شاگرد احمد یسوی و از پیشگامان بکتاشیه در آسیای صغیر که نفوذ و جایگاه او در میان ترکمانان و علویان اهمیت ویژه‌ای داشته است، تجسد می‌یابد. این بازتولید، چهره امام علی (ع) را در قالبی صوفیانه و فراتر از چهارچوب شریعت بازنمایی می‌کند. در برخی قرائت‌های متأخرتر، برخی علویان، استمرار روح علی (ع) را حتی در مصطفی کمال آتاتورک، بنیان‌گذار جمهوری سکولار ترکیه، مشاهده کرده‌اند؛ نوعی از «علی مدرن» که به جای قدیس، به رهبر سیاسی و نجات‌بخش ملی تبدیل شده است. یکی از تصاویری که در کنار تصویر امام علی (ع) و حاجی بکتاش ولی در جمعانه‌های استانبول مشاهده می‌شود، تصویر مصطفی کمال آتاتورک بود.



ترکیبی که در این تصویر مشاهده می‌شود، در تمام جمعانه‌های استانبول وجود داشت.

این طیف از خوانش‌ها نشان می‌دهد که شخصیت حضرت علی علیه السلام در حافظه جمعی علویان، ماهیتی ایستا و تثبیت شده ندارد؛ بلکه همواره در معرض بازتعریف و بازخوانی قرار گرفته است. این بازتفسیرها، متناسب با تحولات گفتمانی و نیازهای فرهنگی - اجتماعی هر دوره، شخصیت حضرت علی علیه السلام را در قالب‌های جدیدی بازنمایی کرده‌اند. به بیان دیگر، حضرت علی علیه السلام در سنت علوی، نه به عنوان چهره‌ای صرفاً تاریخی، بلکه به مثابه «نماد زنده‌ای» است که در بسترهای معنوی، سیاسی و هویتی متکثر، حضوری پویا و انطباق‌پذیر دارد. همین ویژگی دینامیک، زمینه تبدیل حضرت علی علیه السلام به عنصری نمادین در گفتمان‌های ملی‌گرایانه، عرفانی یا ایدئولوژیک را نیز فراهم ساخته است.

از همین منظر، برخی قرائت‌های نوین، به بازسازی شخصیت حضرت علی علیه السلام در چهارچوب هویت فرهنگی ترک‌تباران پرداخته‌اند. در این تفسیر حضرت علی علیه السلام به عنوان نواده حضرت ابراهیم علیه السلام معرفی می‌شود و با فرضیه ترک‌تبار بودن حضرت ابراهیم علیه السلام، امام علی علیه السلام نیز در زمره شخصیت‌های تُرک جای می‌گیرد. حتی در مواردی که نسبت نژادی او به روشنی بیان نمی‌شود، بر عرب‌بودگی‌اش نیز تأکید نمی‌شود. در این چهارچوب، ویژگی‌های منسوب به حضرت علی علیه السلام، از جمله صفاتی همچون «اولوالعزم»، «شجاع» یا «رهبر معنوی»، با مفاهیم برگرفته از سنت شمنی ترکان باستان هم‌پوشانی می‌یابد. این بازنمایی، نوعی تلاش برای بومی‌سازی شخصیت امام علی علیه السلام و همگون‌سازی او با الگوهای تاریخی - فرهنگی ملت تُرک است. در این دیدگاه، اگرچه جنبه‌های قدسی امام علی علیه السلام همچنان برجسته‌اند، اما ماهیت این نسبت‌دهی بیشتر زمینه‌مند و انعطاف‌پذیر است و بسته به اقتضائات گفتمانی می‌تواند معانی متفاوتی به خود بگیرد. چنین قرائتی از حضرت علی علیه السلام، بازتابی از فرایند درهم‌تنیدگی دین و ملیت در روایت‌های معاصر برخی جوامع علوی به شمار می‌رود.

در پاره‌ای از روایت‌های علوی، نظیر آنچه در مجلس چهل‌تن^۱ آمده است، شخصیت حضرت علی علیه السلام به گونه‌ای توصیف می‌شود که یادآور آیین‌ها و باورهای کهن ترکی است. در این

۱. چهل‌تن (Kirkklar Meclisi) در عقاید علویان ترکیه، به جمعی از اولیای الهی و بزرگان دینی گفته می‌شود که حضور معنوی‌شان در مناسک و آیین‌های علوی نماد تداوم هدایت و سنت معنوی است.

روایت‌ها، علی (ع) با فشردن دانه‌ای انگور و تهیه شراب، جام‌های پُر را به حاضران می‌نوشاند و آنان را به نوعی خلسه^۱ یا مستی روحانی فرو می‌برد (Buyruk, 1958, p7-16; Buyruk, 2006, p13-18).

در واقع، امام علی (ع) در این فرایند حذف نمی‌شود، بلکه چهره‌ای تازه از او در قامت یک شخصیت ترک بازسازی می‌گردد. این تصویر، هم‌راستا با آیین‌های «دولوق/دولوک»^۲ در سنت‌های باستانی ترک است؛ آیین‌هایی که نماد وفور، بخشش و یگانگی معنوی به شمار می‌رفته‌اند. در چنین خوانشی، بسیاری از عناصر اسطوره‌ای و مناسکی قبایل کهن ترکمن، با بازتفسیر و نمادینه‌سازی مجدد، بر سیمای علی (ع) افکنده شده‌اند. بدین ترتیب، نوعی «ترکی‌سازی علی» شکل می‌گیرد که او را نه فقط پیشوای دینی، بلکه تجسمی از کهن‌الگوهای عرفانی و قومی در ذهن جمعی علویان بازمی‌نماید؛ به این معنا که علی (ع) نه تنها یک شخصیت دینی، بلکه تجسمی از هویت فرهنگی و تاریخی ترک نیز می‌گردد. این شیوه از شخصیت‌پردازی علی (ع) به طور خاص مورد پذیرش افراد و نهادهایی قرار گرفته است که علوی‌گری را با رویکردی ایدئولوژیک و نزدیک به همین فهم فرهنگی - قومی تفسیر می‌کنند. دده علی کوچوک، دده و مدیر قدیمی‌ترین جمعانه استانبول (جمعانه سید صبری)، تأکید می‌کند که نسب خاندان او به حضرت علی (ع) می‌رسد و خودشان نیز ترک هستند. این اظهارنظر، نمونه‌ای گویا از درهم‌تنیدگی هویت دینی (انتساب به علی) و هویت قومی (ترک بودن) در میان برخی از علویان است. این نوع روایت‌ها می‌تواند در تحلیل‌های مربوط به علی ترک شده و هویت‌های چندلایه در جوامع علوی مورد استفاده قرار گیرد.

به نقل از آکتورک، مراد کوچوک دوغان،^۳ رئیس بنیاد «جم» در شهر آدیامان، در تبیین نسب و هویت قومی حضرت علی (ع) دیدگاهی ارائه می‌دهد که حاوی تلفیقی از عناصر دینی،

۱. خلسه یعنی حالت بی‌خودی، جذب، یا وجد روحانی که انسان در آن از خود بی‌خود می‌شود و در نوعی آرامش یا شور معنوی فرو می‌رود. در این حالت، سالک یا عارف از ادراک حسی فاصله گرفته و به نوعی تجربه‌ی شهودی یا روحانی دست می‌یابد.

۲. در سنت‌های باستانی ترک، واژه‌ی «دُلوک» (doluluk) یا گاه «دَلک» (dalak/dolmak)، مفهومی نزدیک به خلسه، وجد یا حالت روحانی سرشار از نیرو دارد. در ترکی مدرن، doluluk از ریشه‌ی dolmak (پُر شدن، سرشار شدن) گرفته شده و در متون آیینی و بکتاشی - علوی، هنگامی که از حالتی سخن می‌گویند که سالک در آن از عشق و ذکر «پُر» و از خود «فارغ» می‌شود، همین تعبیر را به کار می‌برند.

3. Murat Küçükdoğan.

اسطوره‌ای و هویتی است. او می‌گوید: «نسب ما به حضرت علی علیه السلام می‌رسد. اگرچه ایشان در میان قبایل عرب به دنیا آمدند، اما بر اساس باور ما، حضرت علی علیه السلام پیش از ظهور اسلام نیز وجود داشته‌اند. از این رو، ایشان عرب نیستند. برای مثال، تبار ایشان به حضرت ابراهیم می‌رسد که پدرشان ترک بودند. همان طور که می‌دانید. و مادرشان بدوی. این یک حقیقت تاریخی است؛ بدین معنا که حضرت علی علیه السلام از نیاکان خود دارای تبار ترک بودند» (Aktürk, 2013, p80).

۲-۴. علی نمادین؛ چهره‌ای برای عدالت و کنش اجتماعی

در این دیدگاه، حضرت علی علیه السلام نه به عنوان یک شخصیت تاریخی یا امامی منصوب از سوی پیامبر، بلکه بیشتر به عنوان نمادی از مفاهیمی همچون عدالت، مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم شناخته می‌شود. پیروی از علی علیه السلام در این برداشت، به معنای عمل به سیره فردی یا پذیرش جایگاه دینی او نیست؛ بلکه دعوتی است به کنشگری اجتماعی و مقابله با نابرابری‌ها و ساختارهای سلطه. در چنین نگاهی، علی علیه السلام شخصیتی است که در بطن زمان و مکان‌های مختلف، بارها بازتعریف می‌شود؛ نه برای حفظ گذشته، بلکه برای ساختن معنایی تازه در زمان حال و آینده. به همین دلیل، ویژگی‌های تاریخی و اعتقادی علی علیه السلام در حاشیه قرار می‌گیرد و جنبه نمادین و الهام‌بخش او برجسته می‌شود. در این خوانش، علی علیه السلام بیش از آنکه یک چهره دینی و سنتی باشد، به الگویی برای آزادی خواهی، عدالت‌طلبی و دفاع از مظلومان تبدیل می‌شود؛ الگویی که می‌تواند در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مورد استفاده قرار گیرد.

اردوغان آیدین، از چهره‌های شاخص این جریان فکری، با استناد به تعبیری از نهج‌البلاغه همچون «نماز وسیله تقرب هر انسان پاک به خداست»، «جهاد زن، خوش رفتاری با شوهرش است»، یا «هر کاری که می‌کنی به نماز مربوط است»، می‌پرسد که: «این سخنان چه تفاوتی با آموزه‌های خلفای نخستین همچون ابوبکر یا عمر دارد؟» از نگاه او، چنین برداشتی در اصل بازنمایی‌ای از یک خوانش ارتدوکس اسلامی است که با روح و محتوای علوی‌گری فاصله دارد. آیدین در ادامه، تقابل بنیادینی میان نگرش علی علیه السلام در نهج‌البلاغه - که در آن آمده «کسی که تو را با مخلوقات برابر بدانند، به آیات کفر ورزیده» - با تجربه

عرفانی و وحدت‌گرایانه یونس آفره بیان می‌کند؛ جایی که شاعر تصریح می‌دارد: «در گوشت و استخوان پیچیدم / به هیئت یونس نمودار شدم». او این دو فهم را نه تنها متفاوت، بلکه کاملاً متضاد و ناسازگار با یکدیگر می‌داند (Aydın, 2008, p20-21).

تحلیل آیدین را می‌توان در چهارچوب تنش میان دو قرائت از علی (ع) - یکی شریعت‌محور و دیگری عرفانی فرهنگی - تفسیر کرد. او بر این باور است که تکیه بر متونی چون نهج البلاغه برای بازتعریف هویت علوی، نوعی بازگشت به ارتدوکسی دینی است که با تجربه تاریخی و زیسته علویان آناتولی سازگار نیست. از نگاه آیدین، علوی‌گری بر محور تجربه‌ای باطنی، شاعرانه و عرفانی استوار است؛ تجربه‌ای که در آن، علی (ع) نه صرفاً امام شریعت‌مدار و واجب‌الاطاعه، بلکه «انسان کامل» و «مظهر حقیقت الهی» تلقی می‌شود. بدین سان، او از فروکاستن علی (ع) به چهارچوب‌های فقهی پرهیز می‌دهد و بر بازنمایی علی (ع) به مثابه نماد عرفان آزاد از نهادهای رسمی تأکید می‌کند.

۲-۵. علوی‌گری بدون علی؛ انقطاع از شخصیت تاریخی و هویت‌سازی فرهنگی

بر اساس این دیدگاه، تمرکز بر علی (ع) تاریخی در بستر علوی‌گری معاصر، علویان را صرفاً به سوی «انتقام‌جویی کربلا» سوق می‌دهد. در مقابل، وظیفه علوی‌گری امروز، نه پرداختن به انتقام وقایع تاریخی، بلکه اتخاذ یک رویکرد علمی در برابر هرگونه شریعت‌گرایی و ارتجاع در زمان حال است (Bulut, 2011, p19). فائق بولوت^۱ پژوهشگر و نویسنده ترکیه‌ای که یکی از مدافعان این دیدگاه است، تأکید دارد که برجسته‌سازی جایگاه علی (ع) در سنت علوی، در واقع تلاشی ترکیبی برای پیوند زدن این سنت به هویت قومی ترک است. او با اشاره به برخی شباهت‌های ساختاری میان علوی‌گری و آیین زرتشت، می‌کوشد نشان دهد که ریشه‌های فرهنگی این دو سنت در عناصر ماوراء اسلامی قابل ردیابی است. او در نقد برخی برداشت‌های ساده‌انگارانه، استدلال می‌کند که اگر تنها باتکیه بر زبان اشعار شاه اسماعیل صفوی (ترکی)، ارتباطی میان علوی‌گری و ترک بودن برقرار می‌شود، آنگاه باید پذیرفت که سلطان سلیم یاووز نیز به دلیل سرودن اشعار فارسی، هویتی ایرانی داشته است (Bulut, 2011, p515).

1. Bulut, Faik

بولوت همچنن با طرح این پرسش که «چگونه شخصیتی که فلسفه را مایه هلاکت می دانست، می تواند جایگاهی در علوی گری کنونی داشته باشد؟»، این وضعیت را خطری جدی برای تداوم ماهیت فرهنگی علوی گری می داند. از نظر او، پذیرش شخصیت تاریخی امام علی علیه السلام و تفسیر او درون چهارچوب اسلامی رایج، این خطر را در پی دارد که علوی گری به سمت یکی از دو شاخه رسمی شیعه یا سنی سوق داده شود؛ پدیده ای که می تواند به گسستی معرفتی در درون علوی گری منجر گردد.

در پاسخ به این چالش، برخی معتقدند که پذیرش شخصیت علی علیه السلام در میان علویان، نه از سر اعتقاد عمیق، بلکه به مثابه نوعی استراتژی دفاعی و تاریخی صورت گرفته است. بر پایه این دیدگاه، ورود علی علیه السلام به نظام اعتقادی علویان، پدیده ای متأخر و متعلق به قرن شانزدهم میلادی است؛ دورانی که گروه های دگراندیش آناتولی در معرض فشارهای سیاسی و مذهبی قرار داشتند و برای حفظ خود، ناگزیر به ابراز ظاهری التزام به اسلام رسمی شدند. در این شرایط، بهره گیری از شخصیت علی علیه السلام - که خود نماد مقاومت و مخالفت با خلافت محسوب می شد - انتخابی هوشمندانه برای حفظ هویت بود. حتی برخی توصیه های عبادی در آثار حاجی بکتاش و بزرگان علوی، که شباهت هایی با احکام اهل سنت دارد، به عنوان نوعی تقیه و محافظت در برابر تهدیدهای سیاسی تفسیر شده است (Aydin, 2008, p46).

با این حال، طرح دیدگاه «علوی گری بدون علی» با واکنش های جدی و گسترده ای از سوی بدنه علویان مواجه شده است. برای نمونه، بنیاد جم در شماره ماه مه ۱۹۹۷ مجله خود به صراحت هشدار داد که حذف چهره علی علیه السلام از بافت باورهای علوی، نه تنها به تضعیف این سنت خواهد انجامید، بلکه راه را برای تقویت گرایش های زرتشتی هموار خواهد کرد (Cem Dergisi, 1997).

یافته های میدانی و مصاحبه های پژوهشگران نیز مؤید آن است که این گفتمان، دست کم در سطح عمومی، مقبولیت چندانی ندارد. به جز برخی از مدیران فرهنگی و شمار معدودی از دده ها، اکثریت مصاحبه شوندگان با صراحت ابراز کرده اند که تصور علوی گری بدون علی علیه السلام نه ممکن است و نه مطلوب.

با این وجود، در سطح محافل روشنفکری و فرهنگی، تأمل بر سر امکان پذیری یا عدم

امکان «علوی‌گری بدون علی (ع)» همچنان ادامه دارد. آنچه در این گفتمان‌ها برجسته می‌شود، تعارضی است میان وفاداری به ریشه‌های تاریخی از یک سو و نیاز به بازسازی هویتی در بستر مدرنیته از سوی دیگر.

در این میان، دورویکرد عمده قابل شناسایی است: رویکرد نخست، در پی جداسازی علی (ع) از منظومه علوی‌گری، می‌کوشد آن را به مثابه هویتی فرهنگی، اجتماعی یا انسان‌گرایانه بازتعریف کند؛ هویتی که مستقل از آموزه‌های الهیاتی اسلام کلاسیک شکل می‌گیرد و بیشتر بر عناصر عرفانی، اسطوره‌ای، ملی و نمادین استوار است. در این چهارچوب، اگر نامی از علی (ع) برده می‌شود، عمدتاً در مقام یک اسطوره فرهنگی یا نماد اخلاقی است، نه یک امام معصوم یا مرجع اعتقادی. رویکرد دوم بر این باور است که حذف شخصیت امام علی (ع) از هویت علوی، به معنای فروپاشی بنیان‌های معرفتی، آیینی و عاطفی این سنت است. در این نگاه، علی (ع) نه تنها پیوند دهنده عناصر دینی و آیینی علوی‌گری با گذشته است، بلکه به مثابه قطب معنوی و مدار وفاداری، نقش هویتی و روح‌بخش ایفا می‌کند. از منظر این رویکرد، حضرت علی (ع) نه صرفاً یک نماد فرهنگی، بلکه تجسم ایمان، سنت و معنویت زیسته علویان است.

از منظر مطالعات هویتی، این تقابل، بیانگر کشمکش میان حافظه تاریخی و ساختارهای مدرن هویت‌سازی در جوامع اقلیت دینی است؛ جایی که سنت، در مواجهه با مدرنیته، ناچار به بازتعریف و بازتفسیر خویش می‌شود. «علوی‌گری بدون علی (ع)» در این میان، نه فقط یک پرسش الهیاتی یا اعتقادی، بلکه دغدغه‌ای جامعه‌شناختی درباره امکان فرهنگی‌سازی دین است: آیا می‌توان دین را به تمامی در قالب فرهنگ حل کرد؟ و اگر آری، چه چیزی از دین باقی می‌ماند؟

این چالش را می‌توان در مشاهدات میدانی نویسنده در جمعانه‌های استانبول نیز به روشنی دید. در بازدید از چند جمعانه، به ویژه جمعانه سید صبری، تصاویر علی (ع)، حاجی بکتاش و آتاتورک به طور هم‌زمان و در کنار هم دیده می‌شد. این هم‌نشینی تصویری، نه تنها بازتابی از احترام به گذشته و حال، بلکه نموداری از تلاش برای ترکیب هویت دینی، ملی و عرفانی در یک روایت علوی معاصر است؛ روایتی که می‌کوشد علی (ع) را به گونه‌ای

بازتفسیر کنند که هم با سنت، هم با مدرنیته و هم با ملی‌گرایی سکولار در آشتی باشد. در مصاحبه با دده علی کوچوک^۱، نویسنده کتاب علویان به کجا؟!، ایشان با تأکید بر پیوند ناگسستنی علوی‌گری با حضرت علی علیه السلام گفت: «ممکن است برخی روشنفکران بگویند علوی‌گری بدون علی هم ممکن است، اما در دل مردم، علی علیه السلام زنده است. ما نماز نمی‌خوانیم چون از شریعت دور شده‌ایم، اما اگر نام علی علیه السلام را حذف کنیم، از خودمان هم چیزی باقی نمی‌ماند.» این اظهارات نشان می‌دهد که حتی در میان دده‌هایی که گرایش‌های نواندیشانه دارند، حذف علی از باور علوی، نوعی فروپاشی هویتی تلقی می‌شود (دده علی کوچوک، طرح مرجعیت فرهنگی و اجتماعی علویان ترکیه، جمعانه سید صبری، استانبول، ۵ آذر ۱۴۰۳).

به این ترتیب، مشاهدات نگارنده و گفتگو با دده علی کوچوک گواهی می‌دهند که در زیست علویان ترکیه، علی علیه السلام همچنان نقشی محوری دارد؛ هرچند این نقش در گذر زمان، با قرائت‌های فرهنگی و سیاسی جدید آمیخته شده است. در چنین بستری، «علوی‌گری بدون علی علیه السلام» شاید در نظریه، قابل تصور باشد، اما در عمل، برای بسیاری از پیروان، نوعی «هویت‌زدایی» غیرقابل‌پذیرش به شمار می‌آید.

جدول گونه‌شناسی پنج‌گانه تفاسیر علویان ترکیه از شخصیت امام علی علیه السلام

تفسیر شیعی (امامی)	تفسیر محافظه‌کارانه	تفسیر ایدئولوژیک	تفسیر فرهنگی	تفسیر سکولار (علوی‌گری بدون علی <small>علیه السلام</small>)
علی <small>علیه السلام</small> به مثابه امام معصوم و مرجع دینی در چهارچوب تشیع امامی	علی <small>علیه السلام</small> به مثابه حافظ سنت، هویت قومی ترک و نظم اجتماعی سنتی	علی <small>علیه السلام</small> به مثابه رهبر عدالت‌خواه و الگوی کنشگری سیاسی و اجتماعی	علی <small>علیه السلام</small> به مثابه نماد آیینی در بازسازی رابطه «دده - طالب» در فضای شهری	حذف علی از متن علوی‌گری و بازتعریف آن به مثابه یک هویت فرهنگی فرادینی
چهره برآمده: علی امام	چهره برآمده: علی تُرک‌شده	چهره برآمده: علی نمادین	چهره برآمده: علی قدسی و آیینی	چهره برآمده: علی حذف شده

۱. از دده‌های فعال در استانبول

جمع بندی

بازنمایی شخصیت امام علی علیه السلام در گفتمان علویان ترکیه، عرصه‌ای چندلایه و پویا از تفسیر، تأویل و بازسازی هویت دینی است که در بستر تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی معاصر شکل گرفته است. تحلیل گونه‌های اصلی این بازنمایی‌ها نشان می‌دهد که علوی‌گری نه یک سنت یکپارچه و ایستا، بلکه فضایی سیال و متنوع است که در آن، چهره امام علی علیه السلام همچون آینه‌ای چندوجهی، بازتاب‌دهنده هویت، تعلق و معنا برای نسل‌ها و جریان‌های مختلف علوی است.

یافته‌های نظری: پژوهش حاضر، پنج تصویر برجسته از علی علیه السلام را شناسایی کرده است:

- علی امام، تأکید بر مرجعیت دینی و نسبت تشیع امامی؛
- علی قدسی، تجلی سنت عرفانی و متون آیینی؛
- علی تُرک‌شده، پیونددهنده شخصیت علی علیه السلام با ریشه‌های قومی و هویت فرهنگی ترک؛
- علی نمادین، الگویی از عدالت و انسان‌گرایی؛
- حذف علی علیه السلام از گفتمان علوی‌گری در برخی جریان‌های سکولار.

این گونه‌شناسی نشان می‌دهد که هر خوانش، پاسخی به نیازهای معرفتی، سیاسی یا فرهنگی یک دوره خاص است و در تعامل با متغیرهای کلان مانند شهرنشینی، سکولاریسم، مدرنیزاسیون و تعاملات بین‌فرهنگی شکل گرفته است.

کاربست‌های عملی: داده‌های میدانی و مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که علی علیه السلام همچنان نقطه ثقل حافظه جمعی و ناخودآگاه فرهنگی علویان است؛ حتی نسل‌های جوان‌تر و تحصیل‌کرده، با وجود تفاوت در لحن و زبان بازنمایی، نوعی احترام و بازتاب تلویحی از چهره قدسی و فرابشری او دارند. این امر پیامدهایی مهم برای پژوهشگران و تصمیم‌گیران دینی دارد؛ به ویژه در زمینه آموزش دینی، سیاست‌گذاری فرهنگی و برنامه‌ریزی برای حفظ و ترویج هویت علوی.

پیشنهاد‌های پژوهشی: مرز میان این قرائت‌ها همیشه شفاف نیست و تلفیق آنها در عمل، گاه هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و گاه تنش میان دیدگاه‌های متعارض ایجاد می‌کند.

پژوهش‌های آینده می‌توانند بر مطالعات تطبیقی با دیگر جوامع علوی، بررسی تأثیر تغییر نسل و مدرنیته و تحلیل تعامل میان قرائت‌های مختلف تمرکز کنند تا فهم جامع‌تری از تحول هویت دینی و فرهنگی در جوامع معاصر ارائه شود.

در مجموع، این مقاله با تلفیق تحلیل نظری، داده‌های میدانی و ارجاع به ادبیات دینی و اجتماعی علویان، چهارچوبی بومی شده برای درک بازنمایی‌های گوناگون از امام علی علیه السلام ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد که پرسش از «علی کیست؟» نه صرفاً یک دغدغه تاریخی، بلکه نقطه کانونی بازتعریف هویت، تعلق و معنا در جامعه‌ای در حال گذار است. علی علیه السلام در این چهارچوب نه فقط یک شخصیت دینی، بلکه رمزگانی فرهنگی، سیاسی و عرفانی است که هر نسل، متناسب با شرایط زمانه، از نو او را تفسیر و بازتولید می‌کند.



فهرست منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۴۴ق/۱۹۲۵م)، لسان العرب، چاپ اول، قاهره: دار المعارف.
۲. الویری، محسن (۱۳۹۱ش)، «گونه‌شناسی انتقادی دیدگاه درباره تاریخ و چگونگی پیدایش تشیع»، فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ش ۸، ص ۷-۵۲.
۳. دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵ش)، لغت نامه، چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
۴. دهخدا، علی اکبر و دیگران (۱۳۷۷ش)، لغت نامه دهخدا، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۵. جمالی فر، مهدی (۱۴۳۷ق)، «علویوا الاناضول (تاریخهم و عقایدهم)»، کربلا: مجله اهل البيت، ش ۱۹، ص ۲۶۶.
۶. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق)، الأمالی، چاپ اول، قم: دار الثقافة.
۷. کوچوک، علی، (۱۴۰۳ش)، طرح مرجعیت فرهنگی و اجتماعی علویان ترکیه، جمخانه فیروزکوی، استانبول (مصاحبه شخصی).
8. Aksüt, Hamza vd (2010). Alevî Tarih Yazımında Skandal Erdoğan Çınar Örneği. (2. Baskı). Ankara: Yurt Kitap Yayın.
9. Aktay, Yasin (1999). Türk Dininin Sosyolojik İmkânı. İstanbul: İletişim Yayınları.
10. Aktaş, Ali vd. (1998). Ali'siz Alevîlik Olur mu? İstanbul: Ant Yayınları.
11. Aktürk, Hamit (2013). Toplumsal Değişme ve Alevî Dernekleri -Adıyaman Örneği. Erciyes Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Yayınlanmamış doktora Tezi. Kayseri.
12. Aktürk, Hamit (2013). Çağdaş Aleviliğin dört Alisi. Geçmişten Günümüze Alevilik, I. Uluslararası Sempozyumu, October 2013, Bingöl Üniversitesi Yayınları 2014, 2, 56 - 70.
13. Alevî Çalıştayı Birinci Etap Alevî Örgütleri ve Temsilcileri Toplantısı Değerlendirme İstem ve Öneri Raporu, (2009).
1. Arabacı, F. (2015). Alevi-Sünnî Farklılaşması, İstanbul: Ensar Yayınları.
2. Arı, Y. (2020). Değişim Sürecinde Alevilikte Dini Otorite, Adıyaman Dedeleri Örneği, Ankara: Berikan Yayınları.
3. Aydın, Erdoğan (2008). Kimlik Mücadelesinde Alevîlik (3. Baskı). İstanbul: Kırmızı Yayınları.
4. Bal, Hüseyin (2002). Alevî Bektaşî Kültürü Sosyolojik Araştırmalar. Isparta: Fakülte Kitabevi.
5. Ballı, H. Hüseyin (2007). "Hz. Ali Sempozyumu". Dokuz Eylül Üniversitesi İlahiyat Fakültesi Dergisi, 26, 163-168
6. Bozçalı, M. (2006). Alevi Bektâşî Nefeslerinde Dini Muhteva. İstanbul: Horasan Yayınları.
7. Bulut, Faik (2011). Ali'siz Alevîlik (4. Baskı). İstanbul: Berfin Yayınları.
8. Buyruk. (1958). Der. Sefer Aytekin. Ankara: Emek Basım Yayınevi.
9. Buyruk. (2006). Haz. Fuat Bozkurt. İstanbul: Kapı Yay.
10. Erdoğan, Aydın (2008). Kimlik Mücadelesinde Alevîlik, 3. Baskı, İstanbul, Kırmızı Yayınları.
11. Eröz, Mehmet. (1990). Türkiye'de Alevilik-Bektâşîlik. Ankara: Kültür Bakanlığı Yayınları.

12. Eyubođlu, İsmet Zeki. (1979). *Alevilik- Sünnilik İslâm Düşüncesi*. İstanbul: Hürriyet Yayınları.
13. Fıđlalı, Ethem Ruhi (1989). "Ali", TDV İslâm Ansiklopedisi, C.2 İstanbul
14. Fıđlalı, Ethem Ruhi (2009). "Alevî-Bektaşî Teolojisinin Temel Taşı: Alevî- Bektaşî İnançlarında Hz. Ali". Geçmişten Günümüze Alevî Bektaşî Kültürü, (Editör: Ahmet Yaşar Ocak), Kültür Bakanlığı Yayınları, Ankara, 241-263.
15. Gölpinarlı, Abdülbaki, Nehcul Belaga, Hz. Ali'nin Hutbeleri Vasiyetleri Emirleri Mektupları Hikmet ve Vecizeleri, Der Yayınları, İstanbul.
16. Karamustafa, Ahmet T. (2007). *Tanrının Kural Tanımaz Kulları İslâm Dünyasında Derviş Toplulukları 1200-1550*. (Çev. Ruşen Sezer) İstanbul: Yapı Kredi Yayınları.
17. Kaya, Ali. (2022). *Alevilik Te İnanç, İbadet Ve Dersim*. İstanbul: Pervane Yayınevi.
18. Kocadađ, Ebülfez. (2022). *Yedi Ulu Ozanın Eserlerine Tekitle ANADOLU ALEVİLİĞİNDE İMAMET İNANCI*. İstanbul: el-Mustafa Yayınları.
19. KUTLU, Sönmez (2003). "Aleviliğin Dini Statüsü: Din Mezhep Tarikat Heterodoksi Ortadoksi ya da Metadoksi". *İslâmiyat*, VI, 3, 31-54
20. Küçük, Ali. (2024). *Aleviler nereye?*, İstanbul: pervane Yayınları.
21. Ocak, Ahmet Yaşar (1998). "Aleviliği Nasıl Anlamalı". *Köprü Dergisi*, S: 62, No-366, (Erişim Tarihi 23.03.2012).
22. Ocak, Ahmet Yaşar. (2000). "Babaîler İsyanından Kızılbaşlığa: Anadolu'da İslâm Heterodoksisinin Doğuş ve Gelişim Tarihine Kısa Bir Bakış". *Belleten [TTK Belleten] [Türk Tarih Kurumu Belleten]*, c.LXIV, sayı: 239.
23. Rençber, F. (2016). *Hakk Muhammed Ali Aşkı: Adıyaman Alevileri*. Ankara: Gece Kitaplığı.
24. Subaşı, Necdet (2010). *Alevî Modernleşmesi Sırrı Faş Eylemek* (3. Baskı). İstanbul: Timaş Yayınları.
25. Taşğın, AHMET (2004). "Mit ve Gerçeklik Arasında: Alevilikte Ehlibeyt", *Marife*, Yıl: 4, 3, 287-296.
26. www.hacıbektaş.com (Erişim Tarihi 29.07.2012).
27. Yalçın, Aziz (2001). *Hz. Ali ve Alevilik Gerçeği*. İstanbul: Der Yayınları.
28. Yalçın Kaya, Ayhan (2009). "Ahmet T. KARAMUSTAFA, Tanrının Kural Tanımaz Kulları İslâm Dünyasında Derviş Toplulukları 1200-1550 (Çev. Ruşen Sezer)". *Kitap Tanıtımı*, Ankara Üniversitesi SBF Dergisi, 64-3, 239-250.
29. Zelyut, Rıza (2009). *Türk Aleviliği Anadolu Aleviliğinin Kültürel Kökeni*. Ankara: Kripto Kitaplar.
30. Çınar, Erdoğan. (2008). *Aleviliğin Kökleri- Abdal Musa'nın Sırrı*, Kalkedon Yayınları, İstanbul.
31. Üzüm, İlyas (1997). *Günümüz Aleviliği*. İstanbul: İsam Yayınları.